

گونه‌شناسی شناخت‌های اثرگذار در اخلاق

سمانه مطلق مجد*

عباس پسندیده**

شادی نفیسی***

چکیده

هدف این بررسی آن است که روشن سازد در احادیث پیشوایان دین، برای اصلاح رذایل و تقویت فضایل اخلاقی، از چه نوع شناخت‌هایی استفاده شده است. روش بررسی کتابخانه‌ای و توصیفی است. بدین منظور، احادیث فضایل و رذایل اخلاقی مورد مطالعه قرار گرفته، روش‌های شناختی آنها شناسایی و سپس طبقه‌بندی شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شش دسته شناخت در اصلاح و مدیریت اخلاق مورد استفاده قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از: شناخت انسان، شناخت دنیا، شناخت مرگ، شناخت آخرت، شناخت خداوند و شناخت پیامد خلق‌ها و اعمال. هر کدام از این موضوعات شش‌گانه ابعاد مختلفی دارند و به تناسب صفات اخلاقی، هر کدام موجب اصلاح یا تقویت یک یا چند ویژگی اخلاقی می‌شوند. نتیجه این پژوهش، آن است که: یکم، مدل شناختی اسلام در اخلاق، یک مدل شش‌وجهی است؛ دوم، برای تغییر اخلاق در انسان، می‌توان از یک یا ترکیبی از چند عنصر از شناخت‌های شش‌گانه یاد شده استفاده نمود.

کلید واژه‌ها: اخلاق، شناخت، تفکر، خودشناسی، خداشناسی، دنیاشناسی، مرگ‌شناسی، آخرت‌شناسی، پیامد‌شناسی.

* کارشناس ارشد علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری.

** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

*** استادیار دانشگاه تهران (sh1nafisi@ut.ac.ir).

درآمد

در باره نقش شناخت در اصلاح اخلاق نیک و دوری از خوی ناپسند آیات و روایات فراوانی وجود دارد و نشان می‌دهد که یکی از راه‌های مؤثر تهذیب نفوس، بالا بردن سطح دانش و معرفت آنها و افزایش آگاهی و تنظیم فکر بر اساس این آگاهی‌هاست. احساس، اخلاق و رفتار انسان متأثر از فکر و اندیشه‌هایی که در سر می‌پرورانند و نیز شناختی است که از موضوعات گوناگون به دست می‌آورد. در حقیقت، آن چه از راه تفکر و شناخت برای فرد حاصل می‌شود، در اخلاق و رفتار فرد تاثیر می‌گذارند و در عمل فرد مجسم می‌شوند. ریشه بسیاری از زشتی‌های اخلاق و رفتار انسان جهل و نا آگاهی است. در جهان پس از مرگ، آنان که به فرجام عقاید، اخلاق و اعمال ناشایسته خود گرفتار می‌شوند، در باره ریشه گرفتاری‌های خود، چنین می‌گویند:

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۖ فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا
لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ^۱

بنا بر این، آگاهی و شناخت، به عنوان یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز فضیلت‌های اخلاقی و دوری از زشتی‌ها نقش مؤثری در اصلاح اخلاق و رفتار انسان دارد. این معنا در روایتی از امام علی - علیه السلام - بیان شده است که می‌فرماید:

الْفِكْرُ فِي الْحَيْرِ يَدْعُو إِلَى الْعَمَلِ بِهِ.^۲

نیز حضرت علی - علیه السلام - در روایاتی دیگر، فکر در باره گناه و لذت‌ها را سبب غلبه آنها بر انسان می‌دانند.^۳ بنا بر این، برای اصلاح رفتار و احساس باید به اصلاح شناخت و اندیشه خویش پردازیم و آنها را مبتنی بر واقعیات پایه‌ریزی کنیم؛ چرا که شناخت واقع‌گرا سبب می‌شود تا احساس و رفتار ما نیز واقعی گردد. چنین شناختی زمانی که برای انسان حاصل شود، سبب می‌شود تا آرامش در زندگی انسان جاری شود و اضطراب ناشی از جهل را کاهش می‌دهد. مسأله اساسی این است که افکار و شناخت انسان چگونه باید تنظیم شود تا احساس و رفتار مناسب شکل گیرد و بروز یابد. آنچه در این میان مهم است، این است که دین چه الگویی برای شناخت انسان ارائه کرده است.

۱. سوره ملک، آیه ۱۰-۱۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۵.

۳. «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي اللَّذَاتِ غَلَبَتْ عَلَيْهِ.» «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا.» (عیون الحکم و المراسع،

ص ۴۵۷)

اگر این الگو به دست آید، به راحتی می‌توان افکار را در مسیر سعادت مدیریت نمود. با توجه به این که متون دینی ما آکنده از مطالبی است که برای تنظیم افکار بیان شده‌اند، اگر بتوان محتوای فکر را تغییر داد و آن را با آنچه در آیات و روایات آمده و واقعیت‌هایی که خداوند در این جهان تنظیم کرده است مطابقت داد، می‌توان به آرامشی حقیقی دست یافت؛ نه آرامشی که موقتی است و محصول وهم و خیال.

انواع شناخت در اخلاق

بررسی انجام شده در احادیث پیشوایان دین نشان می‌دهد که شناخت‌های مورد استفاده در اخلاق، شش دسته هستند که عبارت‌اند از: شناخت خود، شناخت خدا، شناخت دنیا، شناخت مرگ، شناخت آخرت و شناخت پیامد رفتارها. در ادامه، هر کدام از این شناخت‌های شش‌گانه را طرح و مشخص خواهیم کرد که دین، به وسیله هر کدام، چه رذایل اخلاقی را درمان و یا چه فضایل اخلاقی را رشد داده است.

۱. شناخت خود

انسان ابعاد مختلفی دارد. از این رو، خودشناسی نیز گونه‌های مختلفی دارد و هر کدام تأثیر خاصی در اخلاق دارند. حال باید دید که خودشناسی از جهات مختلفش چگونه در اصلاح اخلاق انسان مؤثر است. بنا بر پژوهش انجام شده، خودشناسی از دو جنبه «کرامت نفس» و «شناخت پستی آغاز و انجام» در اصلاح اخلاق تأثیر گذار است.

الف) شناخت کرامت نفس

شناخت کرامت نفس، دو اثر اخلاقی در پی دارد: یکی خویشتن‌داری از گناه است. بر اساس یک قاعده عقلانی، چیز ارزشمند با چیز پست در کنار هم جمع نمی‌شوند. وقتی انسان کرامت و ارزش نفس خود را بشناسد، سبب می‌شود تا نفس خود را بالاتر و عزیزتر از آن بداند که آن را به گناهان و پیروی از امیال نامشروع وا دارد. امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

مَنْ كُرِّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ.^۴

نیز سبب می‌شود تا انسان دنیا را ناچیز بداند:

۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹؛ نیز می‌فرمایند: «مَنْ شُرِّفَتْ نَفْسُهُ نَزَّهَتْ عَنْ ذَنَاءَةِ الْمَطَالِبِ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۱).

مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَاتَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا.^۵

اثر دیگر شناخت کرامت نفس، صبر بر بلاست؛ زیرا وقتی انسان ارزش و شان خود را بشناسد، از روح و نفس مطمئنه‌ای برخوردار می‌گردد که مسائل، مشکلات و سختی‌ها نمی‌تواند او را دچار تزلزل و ناراحتی روحی و روانی گرداند و آستانه تحمل انسان را بالا می‌برد و با کوچک‌ترین مشکل از جا در نمی‌رود.^۶

ب) شناخت پستی خود!

جنبه دیگر شناخت خود، شناخت آغاز و انجام است. تعابیری که قرآن مجید و روایات معصومان - علیهم السلام - برای بیان جنبه مادی انسان به کار برده‌اند، به گونه‌های مختلف از جمله خاک، آب جهنده، نطفه، علقه^۷ و... بیان شده است و در آیاتی به سرانجام انسان اشاره شده است.^۸ این شناخت در اصلاح و رذیله اخلاقی به انسان کمک می‌کند: یکی عجب و دیگری تکبر. منشأ عجب جهل و نادانی است. از این رو، یکی از راه‌های پرهیز از این رذیله شناخت خویشتن دانسته شده است. امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید:

سُدَّ سَبِيلَ الْعُجْبِ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ.^۹

انسان گاهی به بدن و زیبایی‌های آن و تندرستی و توانمندی و به طور کلی به آفرینش خود عجب پیدا می‌کند و به جمال و زیبایی خود توجه زیادی می‌کند و از یاد می‌برد که هر چه دارد، نعمتی از سوی خداست و در هر حال در معرض نابودی است. اندیشیدن و اطلاع از پستی‌های آغاز و انجام کار انسان و همچنین توجه در این که این چهره‌های زیبا و بدن‌های نرم در زیر خاک چگونه متلاشی شده و متعفن می‌گردد، انسان را از خود بزرگ‌بینی باز می‌دارد. امام علی - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْعُجْبِ وَأَوْلَاهُ نُظْفَةُ مَذْرَةَ وَأَخْرُهُ حَيْفَةُ قَذْرَةٌ وَهُوَ بَيْنَ ذَلِكَ

۵. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۲۷۸؛ همچنین از امام علی - علیه السلام - روایت شده است: «مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ

صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ»؛ (تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۲۳۱)

۶. تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۲۳۱.

۷. سوره غافر، آیه ۶۷ (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ...).

۸. سوره نحل، آیه ۷۰ (وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يَرْدُ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ).

۹. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۲۸۵.

يَحْمِلُ الْعَذْرَةَ.^{۱۰}

بر اساس متون دینی، همچنین این شناخت با همین تفصیل، سبب دوری از تکبر و تفاخر نیز می‌گردد. امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید:

عَجَبًا لِلْمُخْتَالِ الْفُخُورِ وَإِنَّمَا خُلِقَ مِنْ نُظْفَةٍ ثُمَّ يُعَوَّدُ حَيْفَةً وَهُوَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ لَا يَدْرِي مَا يُصْنَعُ بِهِ.^{۱۱}

۲. شناخت خدا

بر اساس بررسی صورت گرفته، یکی دیگر از شناخت‌هایی که در متون اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است، شناخت خداوند متعال است. شناخت خداوند به معنای شناخت صفات اوست. حال باید دید شناخت صفات مختلف خداوند متعال، چگونه موجب اصلاح اخلاق ناشایست و تقویت اخلاق شایسته می‌گردد.

الف) شناخت رازقیت خداوند

بسیار در قرآن کریم و روایات بیان شده است که روزی دادن، مختص به خدای تعالی است، و این که روزی، حقی است برای خلق بر عهده خدای تعالی.^{۱۲} این شناخت چند اثر اخلاقی دارد: یکی زدودن ترس از فقر است. شناخت رازقیت او ترس از فقر را از انسان می‌زداید. در فرهنگ جاهلی، والدین به خاطر ترس از فقر، فرزندان خود را می‌کشتند.^{۱۳} از این رو، خداوند متعال با استناد به رازقیت خود، آنان را از این کار نهی نموده است.^{۱۴} به همین جهت، باور به تضمین روزی از سوی خداوند متعال نیز غم و اندوه انسان را در کسب روزی از بین می‌برد. حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا آدَمُ! الرَّزْقُ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنَّ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَّتِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ، كَفَاكَ كُلَّ يَوْمٍ كُلَّ يَوْمٍ عَلَى مَا فِيهِ، فَإِنْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُؤْتِيكَ فِي كُلِّ عَدِّ جَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ، وَإِنْ لَمْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَمَا تَصْنَعُ بِأَهْمٍ فِيهَا لَيْسَ لَكَ.^{۱۵}

۱۰. تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۳۰۹.

۱۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۹. همچنین حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: «مَا لِإِبْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ أَوْلَهُ نُظْفَةٌ وَآخِرُهُ حَيْفَةٌ وَلَا يَزُرُقُ نَفْسَهُ وَلَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۴).

۱۲. رک: سوره هود، آیه ۶؛ سوره ملک، آیه ۲۱؛ سوره عنکبوت، آیه ۶۰.

۱۳. رک: تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۱۹۰؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹.

۱۴. سوره اسراء، آیه ۳۱.

۱۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۹، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۶.

اثر دیگر، خویشتنداری از گناه است. توجه به رازقیت خداوند مانع غفلت و ورزیدن در انجام واجبات نیز می‌گردد؛ زیرا انسانی که به این مطلب واقف است، فقط در فکر به دست آوردن روزی نیست؛ به گونه‌ای که در انجام فرایضی که خداوند بر انسان واجب کرده است، غفلت ورزد و کوتاهی کند؛ چرا که می‌داند آنچه برای ایشان مقدر شده است، به او می‌رسد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - به ابازر:

يَا أَبَا ذَرٍّ... لَا تَتَسَاغَلْ عَمَّا فُرِضَ عَلَيْكَ بِمَا ضَمِنَ لَكَ.^{۱۶}

اثر سوم، درمان حرص است. کسی که خداوند را رازق می‌داند و ایمان کامل به وعده‌های الهی دارد، حرص در جمع‌آوری مال ندارد و به تقدیر الهی راضی است. امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید:

إِنْ كَانَ الرَّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْضُ لِمَا ذَا؟^{۱۷}

آگاهی بر این که رزق هر فرد برای او مقدر شده است و به او می‌رسد و حرص زدن یا نزدن انسان تأثیری در کم و زیاد شدن روزی او ندارد، سبب آرامش روحی انسان می‌شود؛ چرا که انسان حریص برای این که انتظار دارد به آنچه که می‌خواهد برسد، ولی در عمل نمی‌رسد، دچار ناراحتی می‌شود و آسایش خود را از دست می‌دهد و همواره در رنج و ناراحتی به سر می‌برد.^{۱۸}

اثر چهارم آن، درمان بخل است. آگاهی از این که خداوند روزی هر کس را می‌رساند و در صورت انفاق آنچه انسان در اختیار دارد، خداوند جایگزینی برای آن خواهد داشت، سبب رهایی از بخل می‌گردد. بنا بر روایات، ریشه بخل ورزیدن مانند حرص، سوء ظن داشتن به خداوند متعال است. امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

إِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ عَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ.^{۱۹}

ب) شناخت قدرت خداوند

قدرت خدا بر همه چیز، یکی دیگر از مراتب خداشناسی است. شناخت قدرت

۱۶. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۶۲.

۱۷. أمالی الصدوق، ص ۸.

۱۸. رک: إحياء علوم الدين، ج ۱۰، ص ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۵۳.

۱۹. نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ نیز می‌فرماید: «الْجُبْنُ وَالْحِرْصُ وَالْبُخْلُ عَرَائِزُ سُوءٍ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ» (تصنيف

غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۲۹۲)؛ نیز می‌فرماید: «الْبُخْلُ بِالْمَوْجُودِ سُوءُ الظَّنِّ بِالْمَعْبُودِ» (همان). امام صادق - علیه

السلام - «حَسْبُ الْبُخِيلِ مَنْ يُخْلِهِ سُوءُ الظَّنِّ بِرَبِّهِ مَنْ يَقْنُ بِالْحَلْفِ جَادًا بِالْعَطِيَّةِ» (الاختصاص، ص ۲۳۴).

خداوند تأثیرات مثبت مخصوص به خود را دارد. یکی از این اثرات اخلاقی، گذشت است. شناخت قدرت خداوند بر عذاب بندگان و در عین حال، حلم او سبب می شود تا اگر انسان قدرتی بر کسی یافت، بر خود مسلط باشد و خشم خود را کنترل کند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید:

... يَا عَلِيُّ! لَا تَغْضَبْ، فَإِذَا غَضِبْتَ فَأَقْعُدْ وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَةِ الرَّبِّ عَلَى الْعِبَادِ وَحِلْمِهِ عَنْهُمْ، وَإِذَا قِيلَ لَكَ اتَّقِ اللَّهَ فَأَنْبِذْ غَضَبَكَ وَرَاجِعْ حِلْمَكَ.^{۲۰}

بر اساس این روایت، کسی که قدرت خدا بر همه موجودات و به خصوص انسان را می شناسد و می داند هر چه در عالم واقع می شود، همه به قضا و قدر الهی است و همه موجودات تحت قدرت اویند و همه امور در ید کفایت اوست، وقتی بر انسان ضعیف تر از خود غضبناک می شود، با خود می اندیشد که قدرت خدا بر من بیشتر از قدرت من بر این انسان است. پس اگر خشم خود را نسبت به او اعمال کنم به چه چیز مطمئن شوم که خداوند در روز قیامت غضب خود را نسبت به من اعمال نخواهد کرد.^{۲۱}

اثر دیگر آن، توکل است. آگاهی از قدرت خداوند به عنوان برترین و بالاترین قدرت هستی سبب می شود تا انسان بر او توکل کند و با اعتماد بر آن از حزن و نگرانی رهایی یابد. امام صادق (علیه السلام) به سفیان ثوری می فرماید:

يَا سُفْيَانُ! إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ، فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الْفَرَجِ وَكُنْزُ مِنَ الْجَنَّةِ.^{۲۲}

ج) شناخت عظمت خداوند

یکی دیگر از ابعاد خداوند متعال، عظمت و بزرگی اوست که در اسما و صفات او متجلی است.^{۲۳} توجه به این صفت نیز دارای آثار اخلاقی مخصوص به خود است. یکی از این آثار، درمان تکبر است. شناخت عظمت و بزرگی خداوند سبب می شود تا انسان بزرگی و عظمت را تنها سزاوار خداوند بداند و بداند که نفسش بر حسب ذات از هر ذیلی ذلیل تر است. از این رو، با توجه به این شناخت در مقابل خداوند و مخلوقات او تکبر و بزرگی نمی کند. امام علی - علیه السلام - در نامه معروف خود به مالک اشتر می نویسد:

۲۰. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۱۵.

۲۱. رک: المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء، ج ۵، ص ۳۰۶.

۲۲. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۱۵۶.

۲۳. رک: دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۶، ص ۳۸۷.

إِذَا أَخَذْتَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أُمَّهَةً أَوْ مَخِيلَةً، فَانظُرْ إِلَى عَظَمِ مُلْكِ اللَّهِ
فَوْقَكَ وَقُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَطْمِئِنُّ إِلَيْكَ
مِنْ طِمَاحِكَ وَيَكْفُ عَنْكَ مِنْ غَزَبِكَ وَيَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ
إِيَّاكَ وَمُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَالتَّشَبُّهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَذُلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَيَهِينُ
كُلَّ مُخْتَالٍ.^{۲۴}

اثر دیگر، خویشتنداری از گناه است. انسانی که عظمت خداوند بر تمام هستی و کائنات را درک می‌کند، خوف و خشیتی در او نسبت به خدا پدید می‌آید و موجب می‌شود که لذایذ و شهوات نامشروع دنیوی را - که موجب سخط و خشم الهی می‌گردد - به طور کلی رها نموده و به وظایف عبودیت و بندگی مراقبت نماید. امام صادق - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ وَمَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا.^{۲۵}

د) شناخت علم خداوند

از دیگر حقایق خداوند متعال، علم اوست.^{۲۶} این شناخت نیز آثار اخلاقی خاصی دارد. یکی برانگیختن حیاست. اگر انسان به وجود ناظری چون خداوند متعال اعتقاد داشته باشد که بر هر کاری که انجام می‌دهد علم دارد، حیا می‌کند. امام صادق - علیه السلام - هنگامی که از ایشان درباره مبانی ایشان در زندگی سوال کردند، به تأثیر چهار شناخت در زندگی اشاره می‌کنند که یکی از آنها این است:

وَعَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - مُطَّلِعٌ عَلَيَّ فَاسْتَحْيَيْتُ.^{۲۷}

اثر دیگر، خویشتنداری از گناه است. این شناخت سبب دوری از انجام زشتی‌ها (تقوا) می‌شود. اگر انسان بداند که منبع قدرت و حکومت، بر اعمال او ناظر است و از همه چیز آگاه است و همواره رفتار او را داور می‌کند، بدیهی است که از اقدام به رفتارهای ناشایست دوری خواهد کرد. حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنَّ قُلُوبَكُمْ سَمِعَتْ وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عِلْمًا.^{۲۸}

۲۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۸.

۲۶. ر.ک: دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۶، ص ۳۲۸.

۲۷. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۲۸.

۲۸. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۳. نیز می‌فرمایند: «اتَّقُوا مَعْصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» (همان،

هـ) شناخت رحمت خداوند

از دیگر حقایق خداوند متعال، رحمت اوست که در متون دینی مکرر مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است.^{۲۹} توجه به این صفت و شناخت خداوند با این ویژگی نیز آثار مخصوص به خود را دارد؛ یکی از آنها زدودن غم است. از آنجا که رحمت و لطف خدا بر همه موجودات گسترده است و همه چیز را فراگرفته است، شناخت خداوند به عنوان سرچشمه رحمت و آرامش، که از روی حکمت و مصلحت خود به انسان ها عطا می کند یا آنچه را داده است باز می گیرد، سبب می شود تا انسان خود را در سختی ها تنها نبیند و به رحمت و مهربانی خداوند امیدوار باشد. امام کاظم - علیه السلام - به هشام بن حکم می فرماید:

وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ ... لَمْ يَفْرَجِ الْمُحْزُونِينَ بِقَدْرِ حُزْنِهِمْ، وَلَكِنْ بِقَدْرِ رَأْفَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَمَا ظَنُّكَ بِالرَّءُوفِ الرَّحِيمِ الَّذِي يَتَوَدَّدُ إِلَى مَنْ يُوذِيهِ بِأَوْلِيَائِهِ فَكَيْفَ بِمَنْ يُوذَى فِيهِ.^{۳۰}

اثر دیگر، درمان یأس است. این شناخت باعث می شود تا انسان در صورت انجام اشتباهات و ارتکاب گناهان دچار یأس و ناامیدی نشود و به سوی خداوند بازگردد. از این رو، خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^{۳۱}

۳. شناخت دنیا

بر اساس آنچه در متون دینی آمده، شناخت صحیح دنیا یکی از عوامل مؤثر در اصلاح اخلاق است. در این قسمت از پژوهش به دنبال این هستیم که دریابیم که دنیا با ابعاد مختلفی که دارد چگونه در اصلاح اخلاق و پرورش خوی پسندیده تأثیرگذار است. در ادامه نقش شناخت این ابعاد و تأثیر شناخت هر بعد را در اصلاح اخلاق را بیان می کنیم:

الف) شناخت فناپذیری دنیا

یکی از این جنبه ها، توجه به فناپذیر بودن دنیا است.^{۳۲} شناخت این بعد از دنیا،

حکمت (۳۲۴).

۲۹. ر.ک: دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۶، ص ۱۴۲.

۳۰. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۳۹۹.

۳۱. سوره زمر، آیه ۵۳.

۳۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۵؛ ر.ک: دنیا و آخرت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۴۲ «دار فناء».

چندین فایده دارد: یکی از آنها مهار آرزوهاست. این ویژگی سبب دوری از آرزوی طولانی انسان می‌شود. آرزو، علی القاعده باید نسبت به امور پایدار شکل گیرد و این دنیا و آنچه در آن وجود دارد هیچ یک پایدار نیستند. از این رو، انسانی که می‌داند که دنیا سرای نابودی است، به آرزوهایی که در قلمرو عمر محدود دنیا قابل تحقق هستند، اکتفا می‌کند و به دنبال آرزوهایی که دست یافتنی نیستند، نمی‌رود و عمر خود را در راه تحقق آنها فدا نمی‌کند.^{۳۳}

اثر دیگر آن، درمان غم است. توجه به فناپذیری دنیا سبب دوری از اندوه می‌گردد؛ چرا که دنیا، خانه‌ای است که همواره رنج و مشقت برای ساکنان آن وجود داشته و خواهد داشت. فردی که دنیا را می‌شناسد، به کمال پستی و دنائت آن آگاه است و می‌داند که این دنیا بقایی ندارد و فانی می‌گردد و می‌داند این سختی‌ها در گذرند و پایدار نیستند و جبران آنها در آخرت که پاینده و باقی است، بر وجه احسن خواهد شد. از این رو، برای آنها اندوهگین نمی‌شود. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ هَذِهِ دَارُ تَرْجٍ لَا دَارُ فَرَجٍ وَ دَارُ التَّوَاءِ لَا دَارُ اسْتِوَاءٍ - فَمَنْ عَرَفَهَا لَمْ يَفْرَحْ لِرَجَائِهَا وَلَمْ يَحْزَنْ لِسَقَاةِهَا.^{۳۴}

اثر سوم آن، درمان جزع است. شناخت سختی‌های دنیا سبب دوری از جزع می‌شود. انسانی که می‌داند در دنیا سختی‌ها و ناگواری‌های بسیاری وجود دارد و همچنین به ناپایداری و فناپذیری دنیا آگاه است، در برابر سختی‌ها و مشکلات دنیا دچار جزع و بی‌تابی نمی‌شود؛ چرا که می‌داند مشکلات دنیا نیز پایدار نیست و از بین خواهد رفت. حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید:

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ... بِالرَّفْضِ هَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةُ لَكُمْ... وَلَا تَجْزَعُوا مِنْ صَرَائِمِهَا وَ بُؤْسِهَا... إِنَّ صَرَائِمَهَا وَ بُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ وَ كُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى وَ كُلُّ حَى مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَ بَلَاءٍ.^{۳۵}

اثر چهارم آن، مهار تفاخر به دنیا و شگفتی از آن است. شناخت ناپایداری دنیا سبب

۳۳. امام علی - علیه السلام - : «وَالدُّنْيَا دَارٌ مُنَى لَهَا الْفَنَاءُ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ وَ هِيَ حُلُوءَةٌ اخْضَرَّةٌ خَضْرَاءُ وَ قَدْ عَجَلَتْ لِلظَّالِمِ وَ التَّيْسَتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ فَارْتَجِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكُفَّافِ وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۵).

۳۴. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۹.

۳۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۹ (بلا در نهج البلاغه بیان نشده است).

دوری از تفاخر و شگفت زدگی از دنیا می‌گردد. این بدان جهت است که هر خوشی که ناپایدار و فناپذیر باشد، نمی‌تواند مایه فخر و شگفتی گردد. عزت و فخر این دنیا بقایی ندارد و نابود شدنی است و در نتیجه رقابت بر عزت و فخری که نابود شدنی است معنایی نخواهد داشت. امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

فَلَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فُخْرَهَا وَلَا تَعْجَبُوا بِرَيْبِهَا وَ نَعِيمِهَا ... فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَ فُخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَإِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ ...^{۳۶}

ب) زودگذر بودن دنیا

ویژگی دیگر دنیا زود گذر بودن آن است. به همین جهت در روایات اسلامی از آن، به عنوان سرای کوچیدن^{۳۷} سرای رفتن^{۳۸} گذرگاه^{۳۹} و زود گذر^{۴۰} یاد شده است. این شناخت چند اثر اخلاقی دارد: یکی زهد است. مجموعه عمر این جهان هر چه باشد، در برابر زندگی بی پایان در سرای دیگر لحظه زود گذری بیش نیست و کسی که این ویژگی دنیا را بشناسد، دل بسته آن نمی‌شود؛ چرا که چیزی شایسته دل بستگی و رغبت است که پایدار باشد. امیرمومنان - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

يُنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ سُورَةَ زَوَالِ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا.^{۴۱}

اثر دیگر، صبر است. نیز توجه به این که زندگی دنیا، زندگی در لحظه حال است، نه در گذشته است و نه در آینده سبب می‌شود تا انسان فقط رنج و نگرانی لحظه ای را که در آن قرار دارد تحمل کند و در برابر مشکلات صبر داشته باشد. امام صادق - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

اصْبِرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ تَصَبَّرُوا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ، فَمَا مَضَى فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُورًا وَلَا حُزْنَ، وَمَا لَمْ يَأْتِ فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ، فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَتَتْ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ.^{۴۲}

۳۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۰.

۳۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳؛ تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۷۷؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۳۳، ح ۱۳۷.

۳۹. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

۴۰. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۴.

۴۱. تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۱۳۸.

۴۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۹.

۴. شناخت مرگ

مرگ، این واقعیت مسلم هستی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در آیات متعددی از آن یاد کرده است و بر تحقق آن تأکید کرده است.^{۴۳} همچنین معصومان - علیهم السلام - و بزرگان دین به واکاوی مفهوم مرگ پرداخته‌اند و سعی در شناخت دهی صحیح درباره این واقعه داشته‌اند. حال، باید دید شناخت ویژگی‌های گوناگون مرگ چگونه در کنترل احساسات و اصلاح رفتار انسان تأثیر گذار است و چه نتایجی را به همراه دارد. برای رسیدن به پاسخ این پرسش متون دینی مورد بررسی قرار گرفت و چند اثر اخلاقی برای آن به دست آمد. یکی از آنها کوتاهی آرزوهاست. کوتاهی آرزوی یکی از آثار توجه به مرگ و شناخت آن است؛ زیرا مرگ به عنوان پایان دنیا، آرزو را از بین می‌برد؛ چرا که آرزو در فرض تداوم حیات معنا می‌یابد و انسانی که مراقب خود و حیات جاویدان خویش است، آرزوی خود را کوتاه می‌کند. امام علی - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

عَجِبْتُ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ أَجَلَهُ كَيْفَ يَطِيلُ أَمَلُهُ.^{۴۴}

اثر دیگر، درمان حزن است. همچنین اگر انسان به سختی‌های مرگ آشنا باشد، از غم و اندوه دنیا رهایی می‌یابد. یکی راه‌های غلبه بر حزن و اندوه توجه به سختی‌های بزرگ‌تر است. این مسأله سبب می‌شود تا حدی از فشار روحی و اندوهی که در پی یک حادثه تلخ بر انسان وارد می‌شود، کاسته شود. در روایتی امام صادق - علیه السلام - ضمن گفت و گویی که با ابو بصیر دارند، به نقش شناخت مرگ و حوادث پس از آن در دوری از حزن و اندوه اشاره می‌کنند و به او می‌فرمایند: آیا هیچ گاه دردمند و اندوهگین نمی‌شوی؟ گفتم: به خدا سوگند آری. فرمودند: هر گاه چنین می‌شوی، مرگ و تنهایی خودت را در گور به یاد آور که دیده‌گانت بر دو گونه‌ات روان می‌شوند و مفاصل تو از یک دیگر گسسته و کرم‌ها از

۴۳. خداوند متعال می‌فرماید: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ؛ هر نفسی چشنده مرگ است، آن گاه به سوی ما بازگردانیده خواهید شد (سوره عنکبوت، آیه ۵۷).

نیز می‌فرماید: وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّى أَتَيْنَا الْبَاقِينَ؛ و روز جزا را دروغ می‌شمردیم تا مرگ ما در رسید (سوره مدثر، آیه ۴۶-۴۷).

۴۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۴. همچنین ایشان در کلامی دیگر می‌فرماید: «مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهُ يَفَارِقُ الْأَخْتَابَ وَ يَشْكُرُ التُّرَابَ وَيَوَاجِهُ الْحِسَابَ وَيَسْتَعِينُ عَمَّا خَلَفَ وَيُتَّقِي إِلَى مَا قَدَّمَ كَانَ خَرِيًّا بِقَضْرِ الْأَمَلِ وَ طُولِ الْعَمَلِ؛ هر کس یقین کند از دوستان جدا می‌شود، و در خاک جای می‌گیرد، و باید حساب بدهد و از آنچه نهد سودی نبرد، و به آنچه پیش فرستاده نیاز دارد، سزاوار است که آرزوهایش را کم کند و به عمل مشغول گردد».

گوشت تو می خورند و پوسیدگی خود را به خاطر آور و این که از دنیا بریده و کوتاه دستی، که این کار تو را به عمل وامی دارد و از آزمندی نسبت به دنیا باز می دارد.^{۴۵}

اثر سوم، درمان اضطراب مرگ است. نیز شناخت مرگ به عنوان پلی به سوی دنیایی بهتر، موجب کاهش ترس و اضطراب و ایجاد آرامش هنگام مرگ می شود. یکی از دلایلی که سبب ترس از مرگ می شود این است که انسان آن را آن گونه که هست نمی شناسد. از این رو، از آن می ترسد. از امام حسن عسکری - علیه السلام - نقل شده است که روزی امام هادی - علیه السلام - بر بالین یکی از اصحاب خود که بیمار شده بود رفتند. او از ترس مرگ گریه و بی تابی می کرد، امام - علیه السلام - علت ترس او را عدم شناخت مرگ بیان کردند و به او فرمودند:

يَا عَبْدَ اللَّهِ تَخَافُ مِنَ الْمَوْتِ لِأَنَّكَ لَا تَعْرِفُهُ.

سپس امام در ادامه تا حدودی مرگ را برای او تصویر کردند و او آرام گرفت و مرگ را پذیرفت و به راحتی چشم بر جهان بست.^{۴۶}

اثر چهارم، رضامندی است. همچنین شناخت مرگ و تذکر آن انسان را به آنچه هست، راضی می گرداند؛ چرا که یاد مرگ و توجه به اتفاقات سختی که در این مرحله از حیات انسان رخ می دهد، انسان را نسبت به آنچه در زندگی دارد، راضی می کند و اگر انسان نسبت به اندک دنیا راضی شد، زندگی نیز بر او آسان می شود.^{۴۷}

۵. شناخت آخرت

با توجه به اهمیت و عظمت آخرت، بسیاری از متون دینی در تبیین ویژگی های آخرت بیان شده اند تا انسان با شناخت محدودی که از این طریق کسب می کند، در اعمال و

۴۵. «أَمَا تَخْزَنُ أَمَا تَهْتَمُّ أَمَا تَأَلَمُ قُلْتُ بَلَى وَاللَّهِ قَالَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنْكَ فَادْكُرِ الْمَوْتَ وَوَحْدَتَكَ فِي قَبْرِكَ وَسَيْلَانَ عَيْنَيْكَ عَلَى خَدَيْكَ وَتَقَطُّعَ أَوْصَالِكَ وَأَكْلَ الدُّودِ مِنْ لَحْمِكَ وَبَلَائِكَ وَانْقِطَاعَكَ عَنِ الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَخْتُكُ عَلَى الْعَمَلِ وَ يَزِدُّكَ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْجَزْءِ عَلَى الدُّنْيَا» (مغنی الصادق، ص ۳۴۵).

۴۶. «أَرَأَيْتَ إِذَا اسْتَسْحَتْ وَتَقَدَّرَتْ وَتَأَدَّبَتْ مِنْ كَثْرَةِ الْقَدْرِ وَالْوَسْخِ عَلَيْكَ وَأَصَابَكَ فُرُوحٌ وَجَرَبٌ وَعَلِمْتَ أَنَّ الْغَسْلَ فِي حَمَامٍ يَزِيلُ ذَلِكَ كُلَّهُ؟ أَمَا تُرِيدُ أَنْ تَدْخُلَهُ فَتَغْسِلَ ذَلِكَ عَنكَ، أَوْ مَا تَكْرَهُ أَنْ لَا تَدْخُلَهُ فَيَبْقَى ذَلِكَ عَلَيْكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ: فَذَاكَ الْمَوْتُ هُوَ ذَلِكَ الْحَمَامُ، وَهُوَ أَجْرٌ مَا بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ تَمَجِيسِ دُنُوبِكَ وَتَثْقِيَتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ، فَإِذَا أَثَّتْ وَرَدَّتْ عَلَيْهِ وَجَاوَزَتْهُ فَقَدْ نَجَّوْتَ مِنْ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَأَدَى وَوَصَلْتَ إِلَى كُلِّ سُورٍ وَفَرِحَ فَسَكَنَ الرَّجُلُ وَاسْتَسَلَّمَ وَنَشِطَ وَغَمَّصَ عَيْنَ نَفْسِهِ وَمَضَى لِسَبِيلِهِ» (معانی الأخيار، ص ۲۹۰).

۴۷. «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ؛ قَنَاعَتِ مَالِي اسْتِ كَيْهَ بَابَانِ نَبَاهِدِ، وَأَنَّ كَيْهَ يَادِ مَرْغِ بِسِيَارِ كَنْدِ، اَزْ دَنْيَا بِيْهَ اَنْدَكِ خَشِنُوْدِ شُوْدِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹).

کردار خود بصیر باشد و به اصلاح خود بپردازد تا آخرتی آباد داشته باشد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در این باره می‌فرماید:

لِكُلِّ خَرَابٍ عِمَارَةٌ وَعِمَارَةُ الْآخِرَةِ الْعَقْلُ؛^{۴۸}

هر خرابی را آباد کننده ای است و آباد کننده آخرت عقل است.

در این قسمت به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که شناخت آخرت با توجه به ویژگی‌های گوناگون آن چگونه می‌تواند در اصلاح اخلاق و رفتار انسان موثر باشد. آخرت نیز مانند موارد قبلی، ابعادی دارد که هر بعد آن اثر اخلاقی خاص خود را دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

الف) پایداری آخرت

یکی از این ویژگی‌ها پایداری آخرت است. به همین جهت در متون اسلامی از آخرت به عنوان قرارگاه،^{۴۹} خانه همیشگی^{۵۰} یاد شده است. توجه به این حقیقت می‌تواند آثار اخلاقی خاصی را داشته باشد؛ یکی از آنها زهد است. این نوع شناخت از آخرت سبب زهدورزی در دنیا می‌گردد. اگر انسان بداند آخرتی پایدار و همیشگی وجود دارد که نعمت‌ها و عذاب‌های آن برای ابد باقی می‌ماند، آشکار است که فریب مظاهر دنیوی را نمی‌خورد و دلبسته آن نمی‌شود، بلکه شیفته و علاقمند آخرت و نعمت‌های فراوان می‌شود. امام علی - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

كَيْفَ يَرْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدْرَ الْآخِرَةِ.^{۵۱}

اثر دیگر، درمان حرص است. همچنین انسانی که بر پایدار بودن آخرت آگاهی دارد و گذرا و موقت بودن دنیا را به وضوح دیده است، زیاده بر آنچه نیاز دارد، نمی‌خواهد و بر آنچه هست، راضی است. امام علی - علیه السلام - باور به حیات آخرت را عامل بزرگی برای دوری از حرص و ورزیدن به دنیا می‌دانند و می‌فرمایند:

مَنْ أَيْقَنَ بِالْآخِرَةِ لَمْ يَحْرِصْ عَلَى الدُّنْيَا.^{۵۲}

۴۸. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۵.

۴۹. سوره غافر، آیه ۳۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳، ر.ک: دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۶۲ «دار الفکر».

۵۰. سوره اعلی، آیه ۱۶ و ۱۷؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۵۶؛ الأمالی للصدوق، ص ۱۷۲، ح ۱۷۴؛ ر.ک: دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۶۶ «دار البقاء».

۵۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۶.

۵۲. همان، ص ۱۵۱.

ب) حسابرسی در آخرت

از دیگر ویژگی‌های آخرت، حسابرسی دقیق در آن سراسر است. در متون اسلامی از آخرت به عنوان سرای سزایاد شده است.^{۵۳} این ویژگی نیز در اصلاح اخلاق آثار خاص خود را دارد. یکی از آثار آن، خویشتن‌داری از گناه دانسته شده است. توجه به حسابرسی دقیق در آخرت و پاسخگو بودن انسان در برابر هر آنچه انجام داده است، سبب دوری از گناهان می‌شود.^{۵۴} امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَتُهُ.^{۵۵}

اثر دیگر آن، درمان عجب است. کسی که به خودپسندی گرفتار شده است، برای خود نزد خداوند منزلتی بزرگ قایل است و به همین سبب گناهان خود را فراموش می‌کند و اگر هم متوجه پاره‌ای از گناهان خود باشد، آنها را کوچک شمرده و به همین خاطر در صدد جبران آنها بر نمی‌آید و گمان می‌کند آرمزیده می‌شود. از این رو، خود را از عذاب الهی ایمن می‌داند.^{۵۶} امام صادق - علیه السلام - در باره تأثیر شناخت آخرت در درمان عجب می‌فرماید:

إِنْ كَانَ الْمُمْرِعُ عَلَى الصِّرَاطِ حَقًّا فَالْعُجْبُ لِمَاذَا؟^{۵۷}

۶. شناخت پیامد اعمال

شناخت پیامد نیک و منفی اعمال یکی از شناخت‌هایی است که در متون دینی به آن بسیار توجه شده است. رفتار امروز ما پیامدی را که در آینده به ما می‌رسد، رقم می‌زند. به تعبیر دیگر، ما عاقبت و پیامد آنچه را که امروز انجام می‌دهیم، در آینده می‌بینیم. این پیامدها به نسبت عمل و رفتار ما گاه مثبت و گاه منفی هستند. امام صادق - علیه السلام - در باره اصل عاقبت‌داری اعمال می‌فرماید:

اعْلَمْ أَنَّ لِلْأُمُورِ أَوَاخِرَ فَأَخَذِرِ الْعَوَاقِبَ.^{۵۸}

از این رو، انسان عاقبت‌اندیش کسی است که به جای حال، با ژرف‌اندیشی و نگاهی

۵۳. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۴۸۳؛ زک: دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۲۷۴.

۵۴. ترجمه میزان، ج ۱۲، ص ۴۰۲.

۵۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۶.

۵۶. برای مطالعه بیشتر زک: راه روشن (ترجمه المحجة البيضاء)، ج ۶، ص ۳۹۰-۳۹۱.

۵۷. أمالی الصدوق، ص ۷.

۵۸. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۳۶۷.

وسیع، به آینده بنگرد و عاقبت امور را قبل از هر اقدامی بررسی و پیامدهای رفتار خود را پیش‌بینی کند و گام‌های خود را بر اساس تأمین آینده، تنظیم کند و بکوشد تا رفتار و برنامه زندگی‌اش هوشمندانه و با درایت انجام شود.

به دلیل این که خرد و فطرت انسان حکم می‌کند تا او در پی کسب منفعت و دفع ضرر باشد، اگر انسان بتواند این پیامدها را پیش‌بینی کند، می‌تواند تصمیم‌گیری صحیحی در انجام اعمال خود داشته باشد؛ چرا که همه انسان‌ها به لحاظ فطری سعی می‌کنند تا با انجام کارهایشان، به منفعتی برسند یا ضرری را از خود دفع کنند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در بیان روشنی، به تدبیر در سرانجام کارها توصیه کرده‌اند و نقش شناخت پیامد اعمال را در اصلاح اخلاق و تنظیم رفتار انسان چنین بیان کرده‌اند:

إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ؛ فَإِنَّ يَكُ خَيْرًا أَوْ يُشَدُّ أَوْ تَبَعْتَهُ وَإِنْ يَكُ شَرًّا أَوْ عَيًّا تَرَكْتَهُ.^{۵۹}

بنا بر این، چنان که بیان شد، آگاهی و شناخت پیامد رفتار و اعمال انسان سبب اصلاح و تنظیم اخلاق و رفتار انسان می‌گردد. بسیاری از متون دینی ما به بیان پیامدهای نیک و بد رفتار انسان پرداخته‌اند و خداوند متعال و ائمه معصوم - علیهم السلام - با شناخت دهی در این باره سعی در اصلاح اخلاق و ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال نیک و دوری از بدی‌ها دارند.^{۶۰}

نتیجه

خلاصه سخن، این که «خداوند» متعال به عنوان آفریدگار هستی و شاهد و ناظر بر هر آنچه در آن رخ می‌دهد، وجود دارد و بر هر امری قادر است. «انسان» نیز به عنوان یکی از مخلوقات خداوند در هستی است که در «دنیا» زندگی می‌کند و «آخرت» پایدار نیز ورای زندگی دنیوی او وجود دارد و «مرگ» به عنوان پلی این دو جهان را به یکدیگر متصل می‌کند. اعمال و رفتاری که از انسان سر می‌زند، «پیامد»‌هایی را به دنبال دارند. شناخت همه این موارد سبب می‌شود تا انسان احساسات و رفتار خود را کنترل کند و بتواند در

۵۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۰.

۶۰. سوره صف، آیه ۱۰-۱۲: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ.

اصلاح اخلاق خود و از بین بردن رذایل و تقویت صفات نیک بکوشد. در حوزه شناخت خدا، اگر انسان بداند که رازق خداست (رزاقیت)، نه از فقر هراس به خود راه می‌دهد (ترس فقر) و نه در جمع مال حریص (حرص) و نه در مصرف آن بخیل (بخل) می‌شود. همچنین به خاطر شکر نعمت، از نافرمانی کردن او نیز خودداری می‌نماید (تقوا). و اگر بداند که خدا قادر است، وقتی در موضع قدرت قرار گرفت دیگران را می‌بخشد (عفو) و وقتی در موضع ضعف و نیاز قرار گرفت، بر او تکیه می‌کند (توکل). و اگر توجه کند که خدا چه عظمتی دارد، خود را برتر از دیگران می‌بیند (تکبر) و در برابر او گناه نمی‌کند (تقوا). و اگر بداند که خدا بر همه اعمال و نیات او آگاه است، از او شرم می‌کند (حیا) و از گناه دست می‌شوید (تقوا). و نیز اگر به رحمت خدا توجه نماید، غم و اندوه از چهره بر می‌گیرد (حزن) و ناامید نمی‌شود (یأس).

و اما در حوزه شناخت خود، اگر بداند که چه ارزش و جایگاهی در نظام هستی دارد، در موضع گناه، خود را به گناه آلوده نمی‌کند (تقوا) و در موضع بلا بی‌تاب نمی‌شود (جزع). و اگر بداند که به لحاظ مادی چه آغاز و انجام پستی دارد، نه دچار خودشگفتی می‌شود (عجب) و نه دچار خودبزرگ بینی (تکبر).

و اما در حوزه شناخت دنیا، اگر بداند که دنیا ناپایدار است، آرزوهای خود را کوتاه می‌نماید (طول الامل) و غم دنیا را نمی‌خورد (حزن) و از سختی‌های آن بی‌تاب نمی‌شود (جزع). و اگر به زودگذر بودن آن توجه نماید، نسبت به زرق و برق آن بی‌رغبت (زهد) و نسبت به بلاهای آن بردبار می‌شود (صبر).

و اما در حوزه شناخت آخرت، اگر باور داشته باشد که آخرت پایدار است، نسبت به دنیا بی‌رغبت (زهد) و نسبت به آخرت بارغبت می‌شود و نسبت به مال دنیا حریص نمی‌شود (حرص). همچنین اگر بداند که حساب و کتابی در آخرت وجود دارد، هنگام وسوسه گناه خویشتنداری می‌کند (تقوا) و دچار خودشگفتی (عجب) نمی‌گردد.

و اما در حوزه شناخت مرگ، اگر بداند که روزی از این دنیا خواهد رفت، آرزوهای دنیایی خود را کوتاه می‌کند، و بر سختی‌های دنیا غمگین نمی‌شود و از آینده آن دچار نگرانی نمی‌گردد و نسبت به آن راضی خواهد بود.

و بالاخره اگر بداند که هر اقدام مثبت او پیامد مثبت و هر اقدام منفی او پیامد منفی خواهد داشت، به ارزیابی و محاسبه سود و زیان خواهد پرداخت. از این رو، به سمت فضایل اخلاقی گرایش و از رذایل اخلاقی گریزان خواهد شد.

از این رو، با توجه به آن چه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل شناختی اسلام در اصلاح اخلاق انسان مبتنی بر شش دسته شناخت است که در هر دسته به ابعاد مختلفی نیز توجه شده است و هر بعد، کارکرد اخلاقی خاص خود را دارد. از این رو، برای اصلاح اخلاق ناپسند و تقویت اخلاق پسندیده باید این ابعاد را شناخت و به افراد آموزش داد تا زمینه تغییر اخلاق به وجود آید.

کتابنامه

- *إحياء علوم الدين*، ابو حامد غزالی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- *الاختصاص*، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، تحقیق علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت، دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
- *إرشاد القلوب إلى الصواب*، حسن دیلمی، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- *أمالی الصدوق*، محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، بیروت، اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.
- *بحار الأنوار*، محمد تقی مجلسی، تحقیق: سید ابراهیم میانجی و محمد باقر بهبودی، لبنان، دارإحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- *ترجمه تفسیر المیزان*، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- *تفسیر الصافی*، مولی محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- *تفسیر القمی*، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- *تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم*، عبد الواحد تمیمی آمدی، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، ابن شعبه حرانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- *دانش‌نامه عقاید اسلامی*، محمد محمدی ری شهری و دیگران، مترجم: علی نقی خدایاری، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.

- دنیا و آخرت از نگاہ قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شہری، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش.
- راہ روشن (ترجمہ المحجۃ البیضاء)، مولی محمد محسن بن شاہ مرتضی فیض کاشانی، ترجمہ: سید محمد صادق عارف، چاپ اول، مشهد، مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- عیون أخبار الرضا (علیہ السلام)، محمد بن علی ابن بابویہ قمی (شیخ صدوق)، تہران، نشر جهان، چاپ اول، تہران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- عیون الحکم والمواعظ، علی بن محمد لیشی واسطی، تحقیق: شیخ حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، بی تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تہران، اسلامیہ، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- کشف الغمۃ فی معرفۃ الأئمۃ، محدث اربلی، تبریز، بنی ہاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
- کنز الفوائد، ابو الفتح کراچکی، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- المحجۃ البیضاء فی تہذیب الإحیاء، مولی محمد محسن بن شاہ مرتضی فیض کاشانی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسہ انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین، چاپ چہارم، ۱۴۱۷ ق.
- معانی الأخبار، محمد بن علی ابن بابویہ قمی (شیخ صدوق)، قم، جامعہ مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- من لا یحضرہ الفقیہ، محمد بن علی ابن بابویہ قمی (شیخ صدوق)، قم، جامعہ مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- نہج البلاغۃ، ابوالحسن محمد بن حسین موسوی (شریف رضی)، قم، ہجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.